

کاربرد «له روایات» در فهرست شیخ طوسی و ارتباط آن با کتب نوادر

احسان سرخه‌ای^۱

چکیده

شیخ طوسی کتاب *الفهرست* را با هدف گردآوری و ارائه فهرست مصنفان و أصحاب اصول و آثار ایشان تألیف کرده است. وی در ضمن معرفی برخی از پدیدآورندگان، از عبارت «له روایات» بهره برده است. این ترکیب در *الفهرست* نجاشی دیده نمی‌شود. بررسی مفهوم این عبارت در *الفهرست* شیخ طوسی نشان می‌دهد که این اصطلاح بیشتر از سوی حمید بن زیاد و در برخی موارد از سوی ابن ولید و شیخ صدوق به کتاب شیخ طوسی راه یافته است.

از مقایسه گزارش‌های شیخ طوسی و نجاشی در نقل از حمید بن زیاد، ارتباط معناداری بین «له روایات» و «له کتاب النوادر» به دست می‌آید. این مقاله با بررسی موارد کاربرد این ترکیب در *الفهرست* شیخ طوسی و مقایسه آن با *الفهرست* نجاشی، در صدد کشف ارتباط و توجیه آن و پاسخ به برخی شبهات، برآمده است. کلیدواژه‌ها: روایات، نوادر، فهرست، رجال، شیخ طوسی.

درآمد

در دانش‌های مرتبط با علوم نقلی، غالباً قدمت منبع معادل اعتبار بیشتر است؛ زیرا منبع قدیمی‌تر به زمان وقوع و صدور نزدیک‌تر بوده و احتمال ورود تغییرات عمدی و سهوی در آن کمتر است. در مقابل، آن‌گاه که ضرورت تحلیل گزارش‌های پیشین مطرح باشد، معمولاً بررسی آرای متاخران حاوی و ناظر به آرای پیشینیان نیز بوده است. بر این اساس، برای کسب اطلاع از گزارش‌های مرتبط به دانش رجال و فهرست آثار و مؤلفان، ضروری است در مرحله نخست به منابع برجای مانده از پیشینیان مراجعه نمود.

۱. استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (e.sorkhei@gmail.com).

آشنایی با مفاهیم، اصطلاحات، تعبیر و واژگان به کار رفته در هر دانشی برای کسانی که از آن دانش بهره می‌برند، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. طبعاً این قاعده دانش رجال و فهرست و منابع مرتبط به خصوص منابع پیشین را نیز در بر می‌گیرد.

بنا بر این، برای استفاده از آثار موجود در دانش رجال و فهرست، علاوه بر مراجعه به منابع برجای مانده از پیشینیان، ناچار باید با اصطلاحات و مفاهیم به کار رفته از سوی ایشان نیز آشنا بود.

در این پژوهش تلاش شده است یکی از ترکیب‌های موجود در این منابع، یعنی تعبیر «له روایات» - که به صورت اصطلاحی خاص و با مفهومی ویژه به کار رفته - مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. نجاشی (م ۴۵۰ ق) در کتاب فهرستش برای معرفی مؤلفان و آثار ایشان هرگز از این ترکیب استفاده ننموده و این تعبیر تنها از سوی شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) در کتاب *الفهرست* و برای معرفی برخی مؤلفان مطرح شده است.

شیخ طوسی در مقدمه کتابش توضیح داده است که در این اثر فهرست مصنفات شیعه و مؤلفان آنها را گرد می‌آورد.^۲ با این حال، وی برای معرفی آثار برخی از آنها، تنها آورده است: «له روایات». برای نمونه، عبد الله بن جبلة،^۳ قاسم بن محمد الخلقانی^۴ و محمد بن اَبی الصهبان^۵ با این عبارت معرفی شده‌اند. با توجه به هدف شیخ طوسی از تألیف کتاب *الفهرست*، باید تعبیر «له روایات» را با آثار مکتوب و تألیفات اصحاب مرتبط دانست.

به طور کلی عبارت «له روایات» و مشابه آن حدود چهل بار در *الفهرست* تکرار شده است. بیش از نیمی از آنها، یعنی ۲۴ مورد از حمید بن زیاد، سه مورد از ابن اَبی جید از ابن ولید، پنج مورد از شیخ صدوق از پدرش و ابن ولید و هفت مورد از دیگران نقل شده است. حال باید دید منظور از این عبارت چه بوده است؟

برای روشن شدن مطلب، لازم است افرادی را که در *الفهرست* شیخ طوسی برای آنها ترکیب «له روایات» به کار رفته، در دو منبع تألیف یافته با هدف گردآوری فهرست مؤلفان آثار، یعنی *الفهرست* شیخ طوسی و کتاب *فهرست النجاشی* مورد بررسی و تحلیل قرار داد و از گزارش‌های ارائه شده در باره افراد مشترک به نتیجه مطلوب دست یافت. لازمه این کار نوعی

۲. *الفهرست*، ص ۲۲.

۳. همان، ص ۱۷۲، ش ۴۵۳.

۴. همان، ص ۲۰۲، ش ۵۸۰.

۵. همان، ص ۲۲۵، ش ۶۳۰.

دسته بندی از نظر منبع و نسخه به کار رفته از سوی شیخ طوسی در کتاب *الفهرست* است. فهرست زیر شامل تمامی کسانی است که بر اساس دسته بندی یاد شده، شیخ طوسی برای معرفی آنها از تعبیر «له روایات» بهره برده است.

الف. نمونه های گزارش شده از حمید بن زیاد، از طریق «أحمد بن عبدون، عن أبي طالب الأنباري، عن حميد بن زياد»

منظور از أبو طالب الأنباري، عبید الله بن ابي زيد أحمد بن يعقوب بن نصر الأنباري است.^۶

۱. أحمد بن يوسف^۷

احتمالاً این فرد احمد بن يوسف بن يعقوب الجعفي است. نجاشی او را در فهرست پدید آورندگان نیاورده، اما نامش را در طریق نقل بسیاری از آثار ذکر نموده است. بنا بر این شاید بتوان وی را در شمار راویان آثار دیگران قلمداد نمود؛ اگر چه بر اساس گزارش حمید بن زیاد در کتاب *الفهرست*، وی دارای اثری خاص بوده است.

۲. أحمد بن عمرو بن المنهال^۸

نجاشی در باره کتابش گفته است: «له كتاب نوادر». طریق نجاشی به این کتاب به واسطه حمید نبوده است.^۹

۳. إدريس بن زياد^{۱۰}

نجاشی در باره وی گفته است: «له كتاب نوادر».^{۱۱} نجاشی این گزارش را از طریقی غیر از حمید ارائه نموده است.

۶. ر.ک: *فهرست النجاشی*، ص ۲۳۲، ش ۶۱۷.

۷. *الفهرست*، ص ۸۴، ش ۱۱۵.

۸. همان، ص ۸۴، ش ۱۱۶.

۹. *فهرست النجاشی*، ص ۸۰، ش ۱۹۱.

۱۰. *الفهرست*، ص ۸۷۵، ش ۱۲۵.

۱۱. *فهرست النجاشی*، ص ۱۰۳، ش ۲۵۷.

۴. جعفر بن علی بن حسان البجلی^{۱۲}

تعبیر شیخ طوسی از آثار این مؤلف با عباراتی که در باره دیگر افراد موجود در فهرست حاضر بیان شده، کمی متفاوت است. وی در باره جعفر بن علی بن حسان گفته است: «له نوادر و روایات»؛ اما نجاشی در باره وی گفته است:

جعفر بن علی بن حسان أخبرنا ابن نوح قال: حدثنا الحسين بن علي [بن سفیان البزوفری] قال: حدثنا حميد قال: سمعت في بحيلة من جعفر بن علي بن حسان نوادر.^{۱۳}

۵. الحسن بن موفق^{۱۴}

نجاشی در باره وی گفته است:

له كتاب نوادر، أخبرنا الحسين بن عبيد الله قال: حدثنا أحمد بن جعفر قال: حدثنا حميد، عن أحمد بن ميثم قال: حدثنا الحسن بن موفق.^{۱۵}

۶. الحسن بن عمرو بن منهال^{۱۶}

نجاشی در باره وی گفته است:

له كتاب نوادر، أخبرنا الحسين بن عبيد الله قال: حدثنا أحمد بن جعفر، عن حميد، عن أحمد بن ميثم، عنه به.^{۱۷}

۷. الحسن بن علی الكلبي^{۱۸}

نام وی در فهرست *النجاشی* نیامده است.

۸. الحسن بن الحسين^{۱۹}

نام وی به این صورت در فهرست *النجاشی* نیامده و به درستی روشن نیست منظور از وی چه کسی است. ممکن است منظور حسن بن الحسين اللؤلؤی باشد. نجاشی در باره وی تنها آورده است:

۱۲. الفهرست، ص ۹۲، ش ۱۴۳.

۱۳. فهرست *النجاشی*، ص ۱۲۶، ش ۳۲۵.

۱۴. الفهرست، ص ۱۰۲، ش ۱۸۶.

۱۵. فهرست *النجاشی*، ص ۵۷، ش ۱۳۲.

۱۶. الفهرست، ص ۱۰۲، ش ۱۸۷.

۱۷. فهرست *النجاشی*، ص ۵۷، ش ۱۳۳.

۱۸. الفهرست، ص ۱۰۳، ش ۱۹۰.

۱۹. همان، ص ۱۰۳، ش ۱۹۱.

کثیر الروایة له کتاب مجموع نوادر.^{۲۰}

۹. الحسين بن هذیل^{۲۱}

نام وی در فهرست النجاشی نیامده است.

ب. نمونه‌های گزارش شده از حمید بن زیاد از طریق «عدة من أصحابنا، عن أبي المفضل، عن حمید بن زیاد»

منظور از أبوالمفضل، محمد بن عبد الله بن محمد بن عبد المطلب الشیبانی است.^{۲۲}

۱۰. صالح، المکنی أبا محمد^{۲۳}

نام وی به این صورت در فهرست النجاشی نیامده و به درستی روشن نیست منظور از وی چه کسی است.

۱۱. علی بن محمد بن الأشعث^{۲۴}

نام وی در فهرست النجاشی نیامده است. احتمالاً این نام، تصحیف نام أبوعلی محمد بن محمد بن الأشعث الکوفی است. به نظر می‌رسد او مؤلف کتاب الأشعثیات (= الجعفریات) باشد.^{۲۵}

۱۲. علی بن الفضل^{۲۶}

نجاشی در باره وی گفته است:

له کتاب نوادر. أخبرنا الحسين قال: حدثنا أحمد بن جعفر قال: حدثنا حمید قال: حدثنا أحمد بن میثم بن أبي نعیم، عنه.^{۲۷}

۲۰. فهرست النجاشی، ص ۴۰، ش ۸۳.

۲۱. الفهرست، ص ۱۱۰، ش ۲۲۳.

۲۲. رک: الفهرست، ص ۲۱۶، ش ۶۱۰؛ فهرست النجاشی، ص ۳۹۶، ش ۱۰۵۹.

۲۳. همان، ص ۱۴۸، ش ۳۶۶.

۲۴. همان، ص ۱۶۰، ش ۴۰۶.

۲۵. در باره این اثر و مؤلف آن، رک: فهرست النجاشی، ص ۳۷۹، ش ۱۰۳۱.

۲۶. الفهرست، ص ۱۶۰، ش ۴۰۸.

۲۷. فهرست النجاشی، ص ۲۵۶، ش ۶۷۲.

۱۳. عبد الله بن جبلة^{۲۸}

شیخ طوسی علاوه بر طریق حمید بن زیاد، به واسطه ابن ولید، از طریق «ابن اُبی جید، عن ابن الولید، عن الصفار، عن محمد بن الحسین عنه»، نیز اثر این مؤلف را گزارش کرده است.

نجاشی نیز به واسطه حمید بن زیاد و از طریق دیگر کتب متعددی به وی نسبت داده که یکی از آنها کتاب النوادر بوده است. وی در این باره آورده است:

له کتب، منها... کتاب النوادر. أخبرنا بجمیعها الحسین بن عبید الله، عن أحمد بن جعفر، عن حمید و أحمد بن عبد الواحد، عن علی بن حبشی بن قونی، عن حمید قال: حدثنا أحمد بن الحسن البصری، عن عبد الله بن جبلة.^{۲۹}

۱۴. عبید بن عبد الرحمن^{۳۰}

نام وی در کتاب نجاشی ذکر نشده است.

۱۵. عمر بن خالد^{۳۱}

به درستی روشن نیست معادل این نام در فهرست *النجاشی* چه کسی است. ممکن است منظور از وی عمر بن خالد الحنط باشد که نجاشی در باره وی گفته: «له کتاب».^{۳۲} نجاشی از طریق غیر از حمید این کتاب را گزارش کرده است.

۱۶. القاسم بن محمد الخلقانی^{۳۳}

نجاشی در باره وی گفته است:

له کتاب نوادر. أخبرنا الحسین قال: حدثنا أحمد بن جعفر قال: حدثنا حمید قال: حدثنا أحمد بن میثم بن اُبی نعیم، عن القاسم به.^{۳۴}

۲۸. *الفهرست*، ص ۱۷۱، ش ۴۵۳.

۲۹. *فهرست النجاشی*، ص ۲۱۶، ش ۵۶۳.

۳۰. *الفهرست*، ص ۱۷۶، ش ۴۷۱.

۳۱. همان، ص ۱۸۶، ش ۵۱۰.

۳۲. *فهرست النجاشی*، ص ۲۸۶، ش ۷۶۴.

۳۳. *الفهرست*، ص ۲۰۲، ش ۵۸۰.

۳۴. *فهرست النجاشی*، ص ۳۱۵، ش ۸۶۴.

۱۷. محمد بن غورک^{۳۵}

نجاشی به وی کتاب نسبت داده و گفته است:

له کتاب رواه عنه إبراهيم بن سليمان.^{۳۶}

۱۸. محمد بن بکر^{۳۷}

احتمالاً منظور از وی محمد بن بکر بن جناح است که نجاشی در باره وی گفته است:

له کتاب نوادر أخبارنا ابن شاذان، عن علی بن حاتم، عن ابن ثابت عنه. وقال حمید:

مات سنة ثلاث وستين ومائتين، وصلى عليه الحسن بن سماعه.^{۳۸}

۱۹. محمد بن حماد^{۳۹}

احتمالاً منظور از وی محمد بن حماد بن زید الحارثی است که نجاشی در باره او گفته

است: «له کتاب». ^{۴۱} نجاشی از طریق أبو عبد الله بن شاذان این اثر را گزارش کرده است.

۲۰. محمد بن عباس^{۴۱}

احتمالاً منظور، محمد بن عباس بن عیسی باشد. نجاشی از طریق حمید، به وی کتب

متعدد نسبت داده و گفته است:

له کتب، منها: کتاب زیارة ابي عبد الله عليه السلام، کتاب الملاحم، کتاب الدعاء، کتاب

الفرائض، کتاب الجنة والنار، کتاب التفسیر. أخبرنا الحسين، عن أحمد بن جعفر، عن

حمید، عن محمد بها.^{۴۲}

۲۱. محمد بن العباس بن مروان^{۴۳}

نجاشی محمد بن العباس بن علی بن مروان بن الماهیار معروف ابن الجحام را بسیار

توثیق نموده و کتب متعدد به وی نسبت داده و از کتاب تفسیری وی تجلیل فراوان کرده

۳۵. الفهرست، ص ۲۲۹، ش ۶۵۶.

۳۶. فهرست النجاشی، ص ۳۶۱، ش ۹۷۰.

۳۷. الفهرست، ص ۲۳۲، ش ۶۷۵.

۳۸. فهرست النجاشی، ص ۳۴۶، ش ۹۳۴.

۳۹. الفهرست، ص ۲۳۲، ش ۶۷۶.

۴۰. فهرست النجاشی، ص ۳۷۱، ش ۱۰۱۱.

۴۱. الفهرست، ص ۲۳۲، ش ۶۷۷.

۴۲. فهرست النجاشی، ص ۳۴۱، ش ۹۱۶.

۴۳. الفهرست، ص ۲۳۲، ش ۶۷۸.

است. نجاشی طریقی به این شخص و آثارش ارائه نموده است.^{۴۴}

۲۲. محمد بن مروان^{۴۵}

نجاشی در باره محمد بن مروان الأنباری گفته است: «له کتاب نوادر» و از طریق مشایخ قم آن را گزارش کرده و گفته است:

أخبرنا أبو عبد الله بن شاذان القزويني ورد علينا زائراً قال: أخبرنا أحمد بن محمد بن يحيى العطار، قال: حدثنا أبي، قال: حدثنا محمد بن أحمد بن يحيى الأشعري عنه بكتابه.^{۴۶}

۲۳. محمد بن الصباح^{۴۷}

نجاشی در باره او گفته است: «له کتاب». او از طریقی غیر از حمید این کتاب را گزارش کرده و در این باره گفته است:

له كتاب. أخبرنا أحمد بن عبد الواحد قال: حدثنا عبید الله بن أبي زيد قال: حدثنا أحمد بن محمد بن رباح قال: حدثنا إبراهيم بن سليمان قال: حدثنا محمد بن الصباح بكتابه.^{۴۸}

۲۴. أبو عمار الطحان^{۴۹}

نام وی به این صورت در فهرست *النجاشی* نیامده و به درستی روشن نیست منظور از وی چه کسی است.

ج. نمونه‌های گزارش شده از طریق «ابن ابی جید، عن ابن الولید»

بر اساس شواهد گوناگون^{۵۰} این طریق برای ارائه اطلاعات موجود در فهرست محمد بن الحسن بن الولید، استاد شیخ صدوق است که از طریق أبوالحسین علی بن أحمد بن محمد بن طاهر القمی، مشهور به ابن ابی جید در اختیار مشایخ بغداد قرار گرفته است.

۴۴. فهرست النجاشی، ص ۳۷۹، ش ۱۰۳۰.

۴۵. الفهرست، ص ۲۳۳، ش ۶۸۷. در نسخه تصحیح شده سید عبدالعزیز به جای «له روایات»، «له کتاب» آمده است.

۴۶. فهرست النجاشی، ص ۳۴۵، ش ۹۳۰.

۴۷. الفهرست، ص ۲۳۳، ش ۶۸۸.

۴۸. فهرست النجاشی، ص ۳۶۵، ش ۹۸۵.

۴۹. الفهرست، ص ۲۷۱، ش ۸۳۸.

۵۰. رک: رجال الطوسی، ص ۴۳۹، ش ۶۲۷۳؛ الفهرست، ص ۲۳۷، ش ۷۰۹؛ فهرست النجاشی، ص ۳۸۳، ش ۱۰۴۲.

۲۵. علی بن أسباط الكوفي^{۵۱}

شیخ طوسی در باره او گفته است: «له أصل و روایات». به احتمال، این تعبیر از طریق ابن غضائری، از أحمد بن محمد بن یحیی العطار، از پدرش به دست شیخ طوسی رسیده است؛ زیرا وی در نخستین طریق خود به علی بن أسباط آورده است:

أخبرنا بذلك الحسين بن عبيد الله، عن أحمد بن محمد بن يحيى العطار، عن أبيه، عن محمد بن أحمد بن أبي قتادة، عن موسى بن جعفر البغدادي عنه.

اما ابن ابی جید و ابن ولید در دومین طریق شیخ طوسی گزارش شده است. نجاشی برای معرفی آثار علی بن أسباط آورده است:

له كتاب الدلائل ... وله كتاب نوادر مشهور.^{۵۲}

او برای هریک از آثار، طریقی خاص ارائه کرده است.

۲۶. محمد بن أبي الصهبان^{۵۳}

نام أبو الصهبان، عبد الجبار است.^{۵۴} محمد بن عبد الجبار از راویان مشهور در کتاب *الکافی* است؛ اما نجاشی حتی نام وی را در شمار پدیدآورندگان نیاورده است. بنا بر این احتمال آن که وی تنها راوی آثار دیگران بوده و اثری تألیف ننموده باشد، تقویت می شود. محمد بن عبد الجبار بیشتر در طریق نقل از صفوان بن یحیی و حسن بن علی بن فضال قرار گرفته است. اکثر گزارش های وی را نیز أحمد بن محمد بن ادریس قمی مؤلف کتاب *النوادر* و محمد بن أحمد بن یحیی الأشعری مؤلف کتاب *نوادر الحکمة* نقل کرده اند.

۲۷. يعلى بن حسان الواسطي^{۵۵}

از این شخص نیز نامی در فهرست *النجاشی* دیده نمی شود. این احتمال وجود دارد که یعلی بن حسان الواسطی تصحیف علی بن حسان الواسطی باشد.^{۵۶} شیخ طوسی^{۵۷} در

۵۱. *الفهرست*، ص ۱۵۳، ش ۳۸۴.

۵۲. *فهرست النجاشی*، ص ۲۵۲، ش ۶۶۳.

۵۳. *الفهرست*، ص ۲۲۵، ش ۶۳۰.

۵۴. همان.

۵۵. همان، ص ۲۶۷، ش ۸۲۰.

۵۶. این احتمال در نرم افزار درایة النور نیز مطرح شده است.

۵۷. همان، ص ۱۵۸، ش ۳۹۳.

جایی دیگر و نجاشی^{۵۸} به علی بن حسان کتاب نسبت داده‌اند. طریق نجاشی به کتاب او نیز از طریق ابن ولید از صفار از علی بن حسان بوده است.

د. نمونه‌های گزارش شده از طریق شیخ صدوق

این مجموعه خود به چند دسته تقسیم می‌شود: برخی از آنها به واسطه شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) از استادش ابن ولید و پدرش گزارش شده است. براساس گزارش نجاشی، شیخ صدوق در سال ۳۵۵ ق، به بغداد سفر کرده است.^{۵۹} گویا شیخ صدوق در همین سفر، فهرست خود را نیز به همراه آورده و آن را در اختیار مشایخ بغداد قرار داده است. بنا بر این می‌توان حدس زد برخی از طرق ارائه شده به این فهرست مستند بوده است.

۲۸. طاهر بن حاتم بن ماهویه^{۶۰}

شیخ طوسی در باره وی آورده است:

له روایات. أخبرنا بروایاته فی حال الاستقامة جماعة، عن أبي جعفر محمد بن علی بن الحسين بن بابويه، عن أبيه و محمد بن الحسن، عن عبد الله بن جعفر الحمیری، عن محمد بن عیسی بن عبید، عنه.

اما نجاشی از طریقی دیگر از ابن ولید از حمیری به وی کتاب نسبت داده و گفته است:

له کتاب ذكره الحسن بن الحسين بن الحسن قال: حدثنا خالي الحسين بن الحسن و ابن الوليد، عن الحمیری، عن محمد بن عیسی بن عبید، عن طاهر.^{۶۱}

۲۹. ایوب بن نوح بن دراج^{۶۲}

شیخ طوسی در باره وی می‌گوید:

له کتاب و روایات و مسائل عن أبي الحسن الثالث عليه السلام، أخبرنا بها عدة من أصحابنا، عن محمد بن علی بن الحسين بن بابويه، عن أبيه و محمد بن الحسن، عن سعد بن عبد الله و

۵۸. فهرست النجاشی، ص ۲۷۶، ش ۷۲۶. نجاشی طریق خود را این گونه معرفی نموده است: «أخبرنا أبو الحسن علی

بن أحمد قال: حدثنا محمد بن الحسن قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار قال: حدثنا علی بن حسان».

۵۹. همان، ص ۳۸۹، ش ۱۰۴۹. نجاشی در این باره گفته است: «كان ورد بغداد سنة خمس و خمسين و ثلاثمائة، و سمع

منه شیوخ الطائفة و هو حدث السن».

۶۰. الفهرست، ص ۱۴۹، ش ۳۷۰.

۶۱. فهرست النجاشی، ص ۲۰۸، ش ۵۵۱.

۶۲. الفهرست، ص ۵۶، ش ۵۹.

الحمیری، عنه.

نجاشی به او تنها کتاب نوادر نسبت داده و آورده است:

له کتاب نوادر أخبرنا محمد بن محمد، عن الحسن بن حمزة قال: حدثنا محمد بن جعفر بن بطة قال: حدثنا محمد بن علی بن محبوب وأحمد بن محمد بن خالد، عن أيوب.^{۶۳}

در برخی از این موارد، شیخ صدوق تنها از ابن ولید گزارش کرده است. به نمونه زیر توجه کنید:

۳۰. عبد الرحمان بن محمد العرزمی^{۶۴}

شیخ طوسی برای معرفی وی آورده است:

له روایات، أخبرنا بها عدة من أصحابنا، عن أبي جعفر محمد بن علی بن الحسين بن بابويه، عن ابن الوليد، عن الصفار، عن أخيه سهل بن الحسن، عن يوسف بن الحارث الکندانی، عنه.

نجاشی وی را با نامی مشابه و با عنوان «عبد الرحمن بن محمد بن عبید الله الرزمی الفزاری»، معرفی کرده و به او کتاب نسبت داده است.^{۶۵} در نمونه ای دیگر، شیخ صدوق اثر شلمغانی را تنها از طریق پدر گزارش نموده است.

۳۴. محمد بن علی الشلمغانی^{۶۶}

شیخ طوسی در باره وی گفته است:

له كتب و روایات... وله من الكتب التي عملها في حال الاستقامة كتاب التكليف. أخبرنا به جماعة، عن أبي جعفر ابن بابويه، عن أبيه، عنه...

با دقت در عبارات پیدا است که طریق ارائه شده از سوی شیخ طوسی به کتاب *التكليف* بوده و ارتباطی با «روایات» ندارد. بنا بر این در این مورد برای «روایات» شلمغانی طریقی بیان نشده است. نجاشی نیز وی و آثارش را شناسانده، اما اشاره ای به «روایات» و یا اثری مانند نوادر برای او نکرده است.^{۶۷}

۶۳. فهرست النجاشی، ص ۱۰۲، ش ۲۵۴.

۶۴. الفهرست، ص ۱۷۶، ش ۴۷۲.

۶۵. فهرست النجاشی، ص ۲۳۷، ش ۶۲۸.

۶۶. الفهرست، ص ۲۲۴، ش ۶۲۷.

۶۷. رک: فهرست النجاشی، ص ۳۷۸، ش ۱۰۲۹.

شیخ صدوق در نمونه‌ای دیگر گزارش خود را به دو تن از راویان آثار حمیری مستند نموده است.

۳۲. محمد بن عبد الله بن جعفر الحمیری^{۶۸}

شیخ طوسی برای معرفی حمیری آورده است:

له مصنفات و روایات، أخبرنا بها جماعة، عن أبي جعفر بن بابويه، عن أحمد بن هارون الفامی و جعفر بن الحسين عنه.

در این باره نیز در گزارش نجاشی از حمیری اشاره‌ای به «روایات» و یا اثری مشابه نوادر دیده نمی‌شود^{۶۹}.

ه. نمونه‌های گزارش شده از طریق دیگران

۳۳. محمد بن علی بن محبوب الأشعری القمی^{۷۰}

شیخ طوسی معرفی ابن محبوب را با این عبارت آغاز کرده است:

له كتب و روایات، منها: كتاب الجامع و هویشتمل علی عدة كتب، منها: كتاب الوضوء.

وی در ادامه آورده است:

أخبرنا بجميع كتبه و روایاته الحسين بن عبید الله و ابن أبي جید، عن أحمد بن محمد بن یحیی، عن أبيه، عن محمد بن علی بن محبوب. و أخبرنا بها أيضا جماعة، عن أبي المفضل، عن ابن بطة، عنه و أخبرنا بها أيضا جماعة، عن محمد بن علی بن الحسين، عن أبيه و محمد بن الحسن، عن أحمد بن إدريس عنه.

به نظر می‌رسد که منبع اصلی گزارش شیخ طوسی، همان طریق نخست باشد. بنا بر این می‌توان گزارش فوق را به حسین بن عبید الله الغضائری و ابن ابی جید از أحمد بن محمد بن پدرش محمد بن یحیی العطار مستند نمود؛ اما گزارش نجاشی از این مؤلف کمی متفاوت است. وی در این باره گفته است:

له كتب، منها كتاب النوادر، كتاب الصلاة، كتاب الجنائز...^{۷۱}

۶۸. الفهرست، ص ۲۳۶، ش ۷۰۸.

۶۹. رک: فهرست النجاشی، ص ۳۵۴ ش ۹۴۹.

۷۰. الفهرست، ص ۲۲۲، ش ۶۲۳.

نجاشی گزارش خود را به طریق ابن غضائری، از أحمد بن جعفر (ابن بطة)، از أحمد بن إدريس اشعری قمی، از مؤلف مستند کرده است.

۳۴. الحسن بن علی الحضرمی^{۷۲}

شیخ طوسی در باره وی آورده است:

له كتب و روایات، أخبرنا بها أحمد بن عبدون، عن أبي عبد الله أحمد بن إبراهيم الصيمري، عن أبي الحسين علي بن يعقوب الكسائي، عن الحسن بن علي الحضرمي.

این گزارش را باید مستند به ابن عبدون دانست. البته نامی از حضرمی در فهرست النجاشی دیده نمی‌شود.

و. نمونه‌های ناهمگن گزارش شده از طرق مختلف

بررسی نمونه‌هایی زیر نشان می‌دهد که منظور از ترکیب «له روایات» و مانند آن، در اثری خاص با ویژگی مخصوص کاربرد نیافته است، بلکه مفهوم لغوی آن، یعنی گزارش روایات متعدد از راویان مختلف و یا از یکی از ائمه عليهم السلام مقصود بوده است. به نمونه‌های زیر توجه شود:

۳۵. محمد بن همام الإسكافي^{۷۳}

شیخ طوسی در باره این محدث تنها گفته است:

جليل القدر، ثقة. له روایات كثيرة، أخبرنا بها عدة من أصحابنا، عن أبي المفضل [الشيبياني]، عنه.

وی از جمله راویان از حمید بن زیاد است که در طرق نقل آثار برخی محدثان بوده‌اند.^{۷۴} شیخ طوسی با آن که در صدد ارائه فهرست مؤلفان بوده، اثری به وی نسبت نداده است. بنا بر این می‌توان وصف «کثیره» را بر فراوانی گزارش حمل نمود. نجاشی از او با تجلیل یاد کرده است و از جمله آثار وی کتابی را با عنوان *الأَنْوَارُ فِي تَارِيخِ الْأُمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ* شناسانده است، ولی

۷۱. فهرست النجاشی، ص ۳۴۹، ش ۹۴۰.

۷۲. الفهرست، ص ۱۰۳، ش ۱۹۴.

۷۳. همان، ص ۲۱۷، ش ۶۱۲.

۷۴. همان، ص ۴۲، ش ۱۸؛ ص ۱۲۵، ش ۲۸۷؛ ص ۱۴۸، ش ۳۶۸؛ ص ۱۷۸، ش ۵۱۱؛ ص ۲۵۱، ش ۷۵۸؛ ص ۲۷۹،

ش ۸۹۳؛ ص ۲۸۰، ش ۸۹۷.

نامی از دیگر آثار او به میان نیاورده است.^{۷۵}

۳۶. موسی بن ابراهیم المروزی^{۷۶}

شیخ طوسی دیگر گزارش ناهمگون با سایر گزارش ها را از طریق ابن عبدون نقل کرده است. وی در باره این شخص آورده است:

له روایات، یرویهما عن الإمام موسی بن جعفر علیه السلام، أخبرنا بها احمد ابن عبدون، عن أبي بكر الدوری، عن أبي الحسن محمد بن أحمد الجرمی قال: حدثنا محمد بن خلف بن عبد السلام قال: حدثنا موسی بن ابراهیم المروزی قال: حدثنا موسی بن جعفر علیه السلام.

به خوبی روشن است که منظور از «له روایات»، احادیثی است که وی از امام کاظم علیه السلام روایت نموده است. با توجه به غلبه نشر مکتوب احادیث در آن زمان، این مجموعه باید در قالب یک اثر حدیثی شکل گرفته و انتشار یافته باشد. عبارات نجاشی نیز این برداشت را تقویت می‌کند؛ زیرا وی نیز در این باره گفته است:

روی عن موسی بن جعفر علیه السلام. له کتاب ذکر آئنه سمعه وأبو الحسن علیه السلام محبوس عند السندي بن شاهک، وهو معلم ولد السندي بن شاهک.^{۷۷}

۳۷. زرارۀ بن أعین^{۷۸}

شیخ طوسی در ضمن معرفی زرارۀ و خاندانش آورده است:

ولهم روایات كثيرة وأصول و تصانیف، سنذكرها في أبوابها إن شاء الله. ولهم أيضا روایات عن علي بن الحسين والباقر والصادق علیهم السلام.

از تعابیر شیخ طوسی آشکار می‌شود که از «روایات» در این دو جمله، گزارش احادیث مختلف از ائمه علیهم السلام مقصود بوده است.

۳۸. صفوان بن یحیی^{۷۹}

همچنین از تعبیر «روایات» در عبارت شیخ طوسی برای معرفی صفوان که گفته است: «و له کتب كثيرة مثل کتب الحسين بن سعید. وله مسائل عن أبي الحسن موسی علیه السلام و

۷۵. فهرست النجاشی، ص ۳۷۹، ش ۱۰۳۲.

۷۶. الفهرست، ص ۲۴۴، ش ۷۲۲.

۷۷. فهرست النجاشی، ص ۴۰۷، ش ۱۰۸۲.

۷۸. الفهرست، ص ۱۳۳، ش ۳۱۲.

۷۹. همان، ص ۱۴۶، ش ۳۵۶.

روایات»، نیز گزارش‌های پراکنده برداشت می‌شود. شیخ طوسی معرفی خود را به شیخ صدوق از ابن ولید و دیگران مستند نموده است.

۳۹. هارون بن مسلم^{۸۰}

شیخ طوسی در باره وی آورده است:

له روایات عن رجال الصادق عليه السلام، ذكر ذلك ابن بطّة عن أبي عبد الله محمد بن أبي القاسم عنه. وأخبرنا ابن أبي جيد، عن ابن الوليد، عن عبد الله بن جعفر الحميري عنه.

این احتمال وجود دارد که اثر منسوب به هارون بن مسلم مشتمل بر احادیث نقل شده از اصحاب امام صادق عليه السلام باشد. همچنین می‌توان «له روایات» را در عبارت فوق، نشانه نقل از اصحاب امام صادق عليه السلام دانست. بر اساس گزارش نجاشی، هارون بن مسلم بن سعدان الکاتب راوی نسخ مختلف از مؤلفان متعدد بوده است.^{۸۱} به گفته نجاشی وی امام و امام هادی عليه السلام را ملاقات نموده و کتاب مسائل از امام هادی عليه السلام دارد.^{۸۲} با این حال، او آثار بسیاری از اصحاب امام صادق عليه السلام را بدون واسطه روایت کرده است.^{۸۳} بنا بر این عبارت «له روایات عن رجال الصادق عليه السلام» را می‌توان به گزارش آثار این افراد تفسیر نمود.

بررسی نمونه‌های گزارش شده

با تحلیل گزارش‌های فوق می‌توان احتمالات زیر را برای ترکیب «له روایات» مطرح نمود.

۱. منظور، گزارش و نقل حدیثی با عنوانی خاص، مانند «حدیث الغدیر»، «حدیث رد الشمس» باشد. این احتمال با ظاهر عبارات شیخ طوسی سازگار نیست. علاوه بر آن، هیچ گزارشی از انتساب چنین احادیثی به این افراد در دست نیست.
۲. منظور گردآوری و نقل روایات ائمه عليهم السلام باشد. برای تأیید این احتمال می‌توان به گزارش‌های ارائه شده در باره موسی بن ابراهیم المروری (نمونه ۳۶)، زارة بن أعین (نمونه

۸۰. الفهرست، ص ۲۵۹، ش ۷۸۵.

۸۱. برای نمونه، رک: فهرست النجاشی، ص ۴۹، ش ۱۰۵.

۸۲. همان، ص ۴۳۸، ش ۱۱۸۰.

۸۳. برای نمونه، رک: فهرست النجاشی، ص ۵۲، ش ۱۱۶؛ هارون بن مسلم از الحسین بن علوان الکلبی؛ نیز: همان، ص ۲۹۳، ش ۷۹۱؛ هارون بن مسلم از عباد بن صهیب؛ نیز: همان، ص ۴۱۵، ش ۱۱۰۸؛ هارون بن مسلم از مسعدة بن صدقة العبدی؛ نیز: همان، ص ۴۱۵، ش ۱۱۰۹؛ هارون بن مسلم از مسعدة بن زیاد الربعی؛ نیز: همان، ص ۲۳، ش ۳۴؛ هارون بن مسلم از ابراهیم بن رجاء.

۳۷)، صفوان بن یحیی (نمونه ۳۸) و هارون بن مسلم (نمونه ۳۹) توجه نمود. در این نمونه‌ها، روایت از امام علیه السلام یا اصحاب امام علیه السلام مورد توجه قرار گرفته است. حال با استفاده از این نمونه‌ها گفته شود در سایر نمونه‌ها نیز روایات نقل شده به طور خاص از یکی از ائمه علیهم السلام نبوده و به صورت پراکنده و از چند امام علیهم السلام گرد آمده است.

این احتمال را به دلیل گستردگی نقل مکتوب احادیث در آن دوره، باید معادل «له کتاب»، به شمار آورد که در ادامه خواهد آمد.

۳. با توجه به معرفی برخی افراد با ترکیب «له روایات» در کنار معرفی برخی دیگر با «له کتاب»، این ترکیب به معنای روایت کتب دیگران باشد. به عبارت دیگر، این افراد از خود تألیفی نداشته و نقش ایشان در انتقال میراث حدیثی، روایت (=گزارش) کتب دیگران بوده است.

برای تقویت این احتمال می‌توان گفت که شیخ طوسی گاه در یک جا و برای معرفی چند نفر در پی هم، از واژه کتاب و روایات استفاده نموده و همه آنها را نیز به یک منبع استناد داده است. این نشان دهنده استنباط دو مفهوم متفاوت از «کتاب» و «روایت» است؛ برای نمونه وی آورده است:

محمد بن ابی عبد الله، له کتاب. و محمد بن علی الصیرفی، له کتاب. و محمد بن بکر الأزدی، له کتاب. و محمد بن مروان، له روایات. و محمد بن الصباح، له روایات. روینا هذه كلها بالاسناد [عدة من أصحابنا عن أبي المفضل]، عن حميد، عن أبي إسحاق إبراهيم بن سليمان ابن حيان الخزاز عنهم.^{۸۴}

منبع گزارش شیخ طوسی در این باره کتاب حمید بن زیاد بوده است. ذکر این نکته نیز ضروری است که استعمال «روایت» در گزارش آثار دیگران در منابع فهرستی امری رایج بوده است؛^{۸۵} برای نمونه نجاشی در گزارش خود از معاویه بن حکیم گوید:

روی معاوية بن حکيم أربعة و عشرين أصلاً لم يرو غيرها.^{۸۶}

همچنین شیخ طوسی در جایی آورده است:

۸۴. همان، ص ۲۳۳، ش ۶۸۴-۶۸۸.

۸۵. نگارنده در مقاله‌ای با عنوان «کاربرد «حدیث» و «روایت» در فهرست و رجال پیشینیان»، به شکلی مبسوط این استعمال را به اثبات رسانیده است.

۸۶. فهرست النجاشی، ص ۴۱۲، ش ۱۰۹۸.

و روی عنه أحمد بن محمد بن عیسی کتب مائة رجل من رجال الصادق علیه السلام.^{۸۷}

در ادامه این مقال نکاتی را یادآور می‌شویم که این احتمال را تضعیف می‌نماید. علاوه بر آن، متفاوت بودن مفهوم «روایت» در «له روایات»، از «کتاب» در «له کتاب»، همواره و لزوماً به معنای روایت کتاب دیگران نیست؛ زیرا روایت در لغت به معنای جریان و نقل آمده است.^{۸۸} فیومی در این باره گفته است:

روی البعیر الماء من باب رمی حمله فهو رواية. ثم أطلقت علی کل دابة یستقی الماء علیها و منه یقال رویت الحدیث إذا حملته و نقلته.^{۸۹}

گزارش و نقل نیز می‌تواند اعم از گزارش کتاب یا گزارش برخی احادیث متفرق باشد. ۴. عبارت «له روایات»، مترادف با «له کتاب» باشد. این احتمال با توجه به مقایسه گزارش‌های شیخ طوسی با گزارش‌های نجاشی در باره برخی افراد از یک سو و اتحاد در محتوا و اختلاف در تعبیر از سوی دیگر، تقویت می‌شود. نجاشی و شیخ طوسی در بسیاری از موارد برای معرفی مؤلفان، به منبعی مشترک، یعنی کتاب و گزارش حمید بن زیاد استناد نموده‌اند؛ اما در اثر نجاشی تعبیر «له کتاب» و در فهرست شیخ طوسی تعبیر «له روایات» آمده است. برای نمونه، شیخ طوسی از آثار شش مؤلف، یعنی محمد بن غورک (نمونه ۱۷)، محمد بن حماد (نمونه ۱۹)، محمد بن الصباح (نمونه ۲۳)، یعلی (= علی) بن حسان الواسطی (نمونه ۲۷)، طاهر بن حاتم بن ماهویه (نمونه ۲۸) و عبد الرحمان بن محمد العرزمی (نمونه ۳۰)، با تعبیر «له روایات»، یاد کرده است؛ در حالی که نجاشی در باره ایشان گفته است: «له کتاب». کاربرد این دو تعبیر در موارد مشترک و استفاده از منبعی واحد، خود می‌تواند شاهد بر اتحاد دو مفهوم باشد. البته منشاء تفاوت با فرض اشتراک در منبع نکته‌ای است که باید مورد تحلیل قرار گیرد.

۵. عبارت «له روایات»، در شکلی خاص از آثار مکتوب استعمال شده باشد. طبعاً این اثر ویژه باید با تعبیر «له کتاب» - که در احتمال قبل آمده - سازگار باشد. از مقایسه دو فهرست نجاشی و شیخ طوسی در معرفی آثار مؤلفانی که شیخ طوسی آنها را با «له روایات» معرفی نموده، این نتیجه به دست می‌آید که نجاشی از آثار یازده نفر از نمونه‌های پیش گفته،

۸۷. الفهرست، ص ۲۱۸، ش ۶۱۷.

۸۸. رک: الصحاح، ج ۶، ص ۲۳۶۴؛ لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۴۶.

۸۹. المصباح المنیر، ج ۱، ص ۲۴۶.

با عنوان «نوادر» یا «کتاب النوادر»، یاد کرده است. این افراد عبارت‌اند از: أحمد بن عمرو بن المنهال (نمونه ۲)، إدريس بن زیاد (نمونه ۳)، حسن بن موفق (نمونه ۵)، حسن بن عمرو بن منهال (نمونه ۶)، علی بن الفضل (نمونه ۱۲)، عبد الله بن جبلة (نمونه ۱۳)، قاسم بن محمد الخلقانی (نمونه ۱۶)، محمد بن بکر (نمونه ۱۸)، محمد بن مروان (نمونه ۲۲)، آیوب بن نوح بن دراج (نمونه ۲۹) و محمد بن علی بن محبوب الأشعری القمی (نمونه ۳۳). توجه به این نکته ضروری است که تعبیر «له کتاب» اعم از تعبیر «له کتاب النوادر» است. بنا براین می‌توان احتمال دوم و چهارم را به این احتمال بازگرداند.

برای توضیح و تثبیت احتمال پنجم از مجموع احتمالات بیان شده برای معنای «له روایات»، لازم است نکاتی مورد تأکید قرار گیرد. همان‌گونه که بررسی نمونه‌ها نشان می‌دهد، بیشتر گزارش‌های الفهرست در این باره از حمید بن زیاد بوده است. بنا براین می‌توان این منبع را به عنوان منبعی محوری مورد بررسی قرار داد. باید توجه داشت که فهرست حمید، منبعی مشترک برای دو فهرست شیخ طوسی و نجاشی^{۹۰} بوده است. شیخ طوسی سه طریق خود به آثار حمید بن زیاد را این‌گونه معرفی نموده است:

أخبرنا بروایاته كلها و کتبه أحمد بن عبدون، عن [عبید الله بن أبی زید] أبی طالب الأنباری، عن حمید. وأخبرنا عدة من أصحابنا، عن أبی المفضل [محمد بن عبد الله بن محمد بن عبد المطلب الشیبانی]، عن حمید. وأخبرنا أحمد بن عبدون، عن أبی القاسم علی بن حبشی بن قونی بن محمد الکاتب، عن حمید.^{۹۱}

با مروری بر گزارش‌های شیخ طوسی در کتاب الفهرست که نام حمید بن زیاد را در طریق معرفی آثار مؤلفان آورده، طرق زیر مشاهده می‌شود:

۱. عدة من أصحابنا/ جماعة، عن أبی المفضل، عن حمید بن زیاد^{۹۲}
۲. أحمد بن عبدون، عن أبی طالب الأنباری، عن حمید بن زیاد^{۹۳}
۳. أحمد بن عبدون، عن أبی الفرج محمد بن أبی عمران موسی بن علی بن عبدویه

۹۰. برای نمونه، رک: فهرست النجاشی، ص ۲۳۲، ش ۶۱۵؛ ص ۲۵۷، ش ۶۷۵ که نجاشی در آنها گفته است: «قال حمید فی فهرسته ...».

۹۱. الفهرست، ص ۱۱۴، ش ۲۳۸.

۹۲. برای نمونه، رک: همان، ص ۱۱۷، ش ۲۴۸؛ ص ۱۲۰، ش ۲۵۶، ۲۵۸؛ ص ۱۲۱، ش ۲۶۰-۲۶۳؛ ص ۱۷۶، ش ۴۶۹؛ ص ۲۳۰، ش ۶۶۴-۶۸۸؛ ص ۲۷۰، ش ۸۳۲-۸۳۹.

۹۳. برای نمونه، رک: همان، ص ۳۹، ش ۸؛ ص ۴۳، ش ۲۰؛ ص ۴۴، ش ۲۵؛ ص ۵۱، ش ۳۹؛ ص ۵۵، ش ۵۳-۵۷؛ ص ۸۴، ش ۱۱۲-۱۱۶؛ ص ۱۰۱، ش ۱۷۸-۱۸۴.

- القزوينی، عن أبو الحسن موسى بن جعفر الحائري، عن حميد بن زياد^{۹۴}
۴. جماعة من أصحابنا، عن هارون بن موسى التلعكبري، عن أبي علي محمد بن همام،
عن حميد بن زياد^{۹۵}
۵. جماعة عن [هارون بن موسى] التلعكبري، عن [أحمد بن محمد بن سعيد] ابن عقدة،
عن حميد بن زياد^{۹۶}
۶. جماعة عن [هارون بن موسى] التلعكبري، عن علي بن حبشي بن قوني الكاتب، عن
حميد بن زياد^{۹۷}
۷. الحسين بن عبيد الله [الغضائري] عن أحمد بن جعفر [بن سفيان البزوفري]، عن
حميد بن زياد^{۹۸}
۸. أحمد بن محمد بن موسى [بن الجراح الجندی] عن أحمد بن محمد بن سعيد [ابن
عقدة]، عن حميد^{۹۹}

دو طریق نخست، بیشترین کاربرد را برای معرفی آثار داشته است. این دو، همان دو
طریقی است که شیخ طوسی برای معرفی آثار خود حمید بن زیاد به آنها استناد نموده بود. به
احتمال، این دو باید اشاره به دو نسخه از کتاب فهرست حمید بن زیاد نیز باشد. این نکته
که طریق «أحمد بن عبدون عن أبي طالب الأنباري، عن حميد» در *الفهرست* شیخ طوسی تا
صفحه ۱۱۴، یعنی تا حرف حاء و نام حمید بن زیاد استفاده شده و پس از این صفحه تا آخر
کتاب از طریق «عدة من أصحابنا، عن أبي المفضل، عن حميد» برای معرفی آثار به کار رفته
نیز احتمال استفاده از دو نسخه از کتاب فهرست حمید در بازه های الفبایی (الف تا ح و ح
تا آخر) را تقویت می نماید. در این صورت، طریق سوم ارائه شده از سوی شیخ طوسی - که
«أحمد بن عبدون عن أبي القاسم علي بن حبشي بن قوني بن محمد الكاتب، عن حميد»
بود - عملاً در گزارش آثار پدید آورندگان به کار نرفته است.

این در حالی است که نجاشی برای معرفی آثار حمید بن زیاد، طریق خود را «الحسين بن

۹۴. همان، ص ۳۹، ش ۸.

۹۵. همان، ص ۴۲، ش ۱۸؛ ص ۱۲۵، ش ۲۸۷؛ ص ۱۴۸، ش ۳۶۸؛ ص ۱۷۸، ش ۵۱۱؛ ص ۲۵۱، ش ۷۵۸؛ ص ۲۷۹،

ش ۸۹۳؛ ص ۲۸۰، ش ۸۹۷.

۹۶. همان، ص ۱۶۱، ش ۴۱۳.

۹۷. همان، ص ۱۷۱، ش ۴۵۱.

۹۸. همان، ص ۳۵، ش ۲؛ ص ۶۲، ش ۶۴؛ ص ۷۰، ش ۷۷.

۹۹. همان، ص ۹۱، ش ۱۴۰؛ ص ۱۳۲، ش ۳۰۹.

عبید الله [الغضائری] عن أحمد بن جعفر بن سفیان [البزوفری]، عن حمید [بن زیاد] گزارش کرده است.^{۱۰۰} وی همچنین برای معرفی آثار مؤلفانی که حمید در طریق آنها بوده، علاوه بر همین طریق،^{۱۰۱} از دو طریق «أحمد بن عبد الواحد (ابن عبدون) عن علی بن حبشی [بن قونی]، عن حمید بن زیاد»^{۱۰۲} و «أحمد بن نوح، عن الحسین بن علی البزوفری، عن حمید بن زیاد»^{۱۰۳} بهره برده است. پس دو نسخه گزارش شده از سوی «أحمد بن عبدون عن أبی طالب الأنباری» و «عدة من أصحابنا عن أبی المفضل»، از حمید - که مورد استناد شیخ طوسی قرار داشته - مستند نجاشی نبوده است.

گذشت که در گزارش‌های نجاشی هرگز تعبیر «له روایات»، نه در طرق حمید بن زیاد و نه دیگران به کار نرفته است. همچنین باید توجه داشت که در گزارش‌های نقل شده از این طریق، یعنی «الحسین بن عبید الله [الغضائری] عن أحمد بن جعفر [بن سفیان البزوفری]، عن حمید» در کتاب الفهرست^{۱۰۴} نیز تعبیر «له روایات» نیامده است.

بنا بر این می‌توان حدس زد که کاربرد این تعبیر از سوی شیخ طوسی مستند به آن دو نسخه بوده است. از دیگر سوی محتمل است دلیل نبود این تعبیر در کتاب نجاشی، استفاده وی از نسخه‌ای دیگر از کتاب حمید بن زیاد، یعنی نسخه گزارش شده به واسطه علی بن حبشی بوده و یا مستند به نوشته‌های ابن نوح و یا ناشی از دخالت برداشت‌های شخصی خود نجاشی باشد.

از میان نمونه‌های یاد شده در این مقاله، نجاشی نام گروهی از آنها را، بدون شباهت با نام دیگر افراد، در کتاب خود نیاورده است. حسن بن علی الکلبی (نمونه ۷)، حسین بن هذیل (نمونه ۹) و علی بن محمد بن الأشعث (نمونه ۱۱) از این گروه بوده‌اند. البته بخشی از افراد نام‌های مشتبهی داشته‌اند که احتمال ذکر آنها به شکلی دیگر در کتاب نجاشی وجود دارد. صالح، المکنی أبا محمد (نمونه ۱۰)، عمر بن خالد (نمونه ۱۵)، محمد بن بکر (نمونه ۱۸) و محمد بن حماد (نمونه ۱۹) از این قبیل افراد بوده‌اند.

۱۰۰. فهرست النجاشی، ص ۱۳۲، ش ۳۳۹.

۱۰۱. برای نمونه، رک: همان، ص ۵۷، ش ۱۳۲ و ۱۳۳؛ ص ۷۴، ش ۱۷۹؛ ص ۷۹، ش ۱۸۷؛ ص ۸۰، ش ۱۹۱؛ ص ۱۲۰، ش ۳۰۸؛ ص ۱۲۱، ش ۳۰۹؛ ص ۲۲۱، ش ۵۷۸.

۱۰۲. برای نمونه، رک: همان، ص ۱۸، ش ۲۰؛ ص ۲۳، ش ۳۶؛ ص ۳۸، ش ۷۸؛ ص ۶۱، ش ۱۴۲.

۱۰۳. برای نمونه، رک: همان، ص ۶۷، ش ۱۵۸؛ ص ۱۲۵، ش ۳۲۲؛ ص ۱۲۶، ش ۳۲۵ و ۳۲۶؛ ص ۱۲۸، ش ۳۳۱؛ ص ۳۴۰، ش ۹۱۰ و ۹۱۳.

۱۰۴. رک: الفهرست، ص ۳۵، ش ۲؛ ص ۶۲، ش ۶۴؛ ص ۷۰، ش ۷۷.

از مجموع اطلاعات نمونه‌های پیش گفته روشن می‌شود که:
الف. نجاشی نام تعدادی از افراد را به واسطه حمید بن زیاد ذکر نموده و به آنها کتابی با عنوان «نوادر» نسبت داده است.

ب. نجاشی از طرق مختلف، در باره برخی دیگر نیز گفته است: «له کتاب».

ج. نام برخی از افراد در فهرست *النجاشی* نیامده است.

این که به چه دلیل نجاشی از ذکر نام این افراد روی گردانده، به درستی روشن نیست. ممکن است نجاشی به قرینه یا دلیلی دسترسی داشته که نشان می‌داد این افراد فاقد اثری تألیفی بوده‌اند. این احتمال نیز قوی به نظر می‌رسد که نسخه کتاب حمید - که از طرق دیگر به دست نجاشی رسیده - فاقد این اسامی بوده است.

اما نکته مهم در این میان، رمزگشایی از جانشینی تعبیر «له روایات» در گزارش شیخ طوسی با «له کتاب نوادر» در گزارش نجاشی است. این که چه چیز عامل این جایگزینی بوده، نیازمند تأمل است.

با توجه به اختلاف طرق نسخه‌ای از کتاب حمید بن زیاد که در اختیار نجاشی بوده با نسخه در دسترس شیخ طوسی، می‌توان حدس زد اصل اختلاف در تعبیر، از اختلاف در نسخ کتاب حمید برآمده و جایگزینی این دو تعبیر به خود حمید بن زیاد یا راویان این نسخ باز می‌گردد.

این نکته، یعنی اختلاف در نسخه‌ها، اختلاف موجود در برخی نمونه‌ها را - که در کتاب نجاشی از آنها به «له کتاب نوادر» تعبیر شده، اما در کتاب *الفهرست* «له کتاب» آمده - نیز قابل توجیه می‌نماید. در گزارش شیخ طوسی در باره ابراهیم بن یوسف الکنندی که به واسطه «[أحمد بن عبدون عن أبي طالب الأنباری]، عن حميد بن زياد، عن أحمد بن ميثم» نقل شده، آمده است: «له کتاب»^{۱۰۵}، اما نجاشی به واسطه «أحمد بن عبد الواحد (ابن عبدون)، عن علي بن حبشي، عن حميد بن زياد، عن أحمد بن ميثم» برای معرفی همین شخص گفته است: «له کتاب نوادر»^{۱۰۶}.

اما همچنان این سؤال باقی است که چرا از حمید در دو نسخه (= ویرایش) از فهرستش دو تعبیر متفاوت گزارش شده است؟ و به چه دلیل وی یا راویان، این دو تعبیر را مترادف یا

۱۰۵. *الفهرست*، ص ۴۵، ش ۲۷.

۱۰۶. *فهرست النجاشی*، ص ۲۴، ش ۳۶.

نزدیک به هم انگاشته‌اند؟

نزدیک‌ترین احتمال، همسان پنداشتن مفهوم این دو تعبیر است. اما بین مفهوم «له روایات» با «له نوادر» در آن زمان چه تناسبی وجود داشته است؟ ممکن است گفته شود که شیوه نگارش کتب نوادر به طور عام، یا در گزارش حمید بن زیاد به طور خاص، به گونه‌ای بوده است که از این دو عبارت برداشتی نزدیک به هم حاصل می‌شده است.

با این حال، توجیه نمونه‌هایی چون «له نوادر و روایات» (نمونه ۴) - که حمید «نوادر» و «روایات» را در کنار یکدیگر ذکر نموده - همچنان دشوار خواهد بود. این اشکال، با کمی اختلاف، در نمونه‌هایی چون «له کتاب و روایات و مسائل» (نمونه ۲۹) و «له أصل و روایات» (نمونه ۲۵)، نیز مطرح است؛ زیرا این سؤال اساسی باقی است که اگر شیوه حمید بن زیاد در گزارش کتاب‌های نوادر در آن دو نسخه این گونه بوده که از آنها به «له روایات» تعبیر کند، چرا در همان دو نسخه به برخی مؤلفان همزمان «نوادر» و «روایات» و یا به تنهایی، «نوادر» نسبت داده است؟ برای نمونه، شیخ طوسی از طریق «أحمد بن عبدون عن أبي طالب الأنباري، عن حميد بن زياد» در باره مؤلفانی چون حسن بن عنبسة الصوفي،^{۱۰۷} جعفر الهمذلي^{۱۰۸} و جعفر بن عبد الرحمان الكاهلي^{۱۰۹} گفته است: «له نوادر». وی همچنین از طریق «جماعة، عن أبي المفضل، عن حميد بن زياد»، در باره عمران بن مسكان،^{۱۱۰} محمد بن نافع،^{۱۱۱} يزيد بن الحسين^{۱۱۲} و ابن عصام^{۱۱۳} همین تعبیر را به کار برده است. در این صورت، آیا می‌توان نمونه‌ها را نقض قاعده معادل یا مشابه پنداشتن تعبیر «له روایات» در این دو نسخه با «له نوادر» در نسخه مورد استناد نجاشی دانست؟

در پاسخ می‌توان، این احتمال را مطرح نمود که آثار تعبیر شده به «له روایات» از سوی حمید بن زیاد، در آن دو نسخه، نامبردار به عنوان «نوادر» نبوده و تنها گردآوری روایات افراد مختلف بوده است. بر این اساس، می‌توان نمونه‌هایی چون «النوادر عن الرجال»^{۱۱۴} و مانند

۱۰۷. همان، ص ۱۰۱، ش ۱۸۰.

۱۰۸. همان، ص ۹۲، ش ۱۴۵.

۱۰۹. همان، ص ۹۲، ش ۱۴۴.

۱۱۰. همان، ص ۱۹۱، ش ۵۳۹.

۱۱۱. همان، ص ۲۳۱، ش ۶۶۸.

۱۱۲. همان، ص ۲۶۷، ش ۸۱۷.

۱۱۳. همان، ص ۲۸۳، ش ۹۱۲.

۱۱۴. فهرست النجاشی، ص ۱۴، ش ۱۱، ص ۱۲۶، ش ۳۲۶.

آن در فهرست النجاشی و «له روایات عن رجال الصادق علیه السلام»^{۱۱۵} در الفهرست شیخ طوسی را به عنوان شاهد آورد.

به عبارت دیگر، ادعا شود آثاری که به گردآوری احادیث از روایان مختلف اختصاص یافته، برخی با عنوان «نوادر» نگارش و انتشار یافته و برخی بدون نام گذاری، تنها گردآوری آنها بوده‌اند. بنا براین، هر دو گروه از آثار در شیوه تحریر، نوادر به شمار آمده‌اند؛ به همین دلیل از هر دو دسته در گزارش نجاشی از حمید، با نام «نوادر» یاد شده است؛ زیرا از دیدگاه ایشان هر دو در حقیقت مصداق نوادر بوده‌اند. در این صورت گزارش همزمان «نوادر» و «روایات» برای معرفی جعفر بن علی بن حسان نیز توجیه خواهد شد.

اگر چه این توجیهاات را می‌توان در باره گزارش ابن ولید و شیخ صدوق و دیگران نیز ساری و جاری دانست، اما نکته جالب توجه در گزارش ابن ولید و شیخ صدوق آن است که در بیشتر موارد «له روایات» با «له کتب» و مانند آن در کنار هم آمده است. برای معرفی نمونه‌های مختلف آمده است: «له أصل و روایات» در باره علی بن أسباط الکوفی (نمونه ۲۵)، «له کتاب و روایات» در باره آیوب بن نوح بن دراج (نمونه ۲۹)، «له کتب و روایات» در باره محمد بن علی الشلمغانی (نمونه ۳۱) و محمد بن علی بن محبوب الأشعری القمی (نمونه ۳۳) و الحسن بن علی الحضرمی (نمونه ۳۴) و «له مصنفات و روایات» در باره محمد بن عبد الله بن جعفر الحمیری (نمونه ۳۲). بنا براین محتمل است که کاربرد این تعبیر در میان قمییان با استعمال آن از سوی حمید بن زیاد متفاوت بوده باشد. به عبارت دیگر، ممکن است قمییان از «روایات» معنای دیگری همچون گزارش آثار دیگران را - که در احتمال سوم آمده بود - قصد کرده باشند.

مفهوم نوادر

برای تبیین ارتباط مفهومی «نوادر» و «روایات»، لازم است بحثی در باره نوادر و مفهوم آن ارائه گردد. ابن اثیر «ندر» را با عبارت «سقط و وقع» معادل دانسته است.^{۱۱۶} ابن منظور «نوادر الکلام» را به «هی ما شذ و خرج من الجمهور، و ذلك لظهوره» تفسیر نموده است.^{۱۱۷} فیروز آبادی نیز می‌گوید:

۱۱۵. الفهرست، ص ۲۶۰، ش ۷۸۵.

۱۱۶. النهایة، ج ۵، ص ۳۵.

۱۱۷. لسان العرب، ج ۵، ص ۱۹۹.

ندر الشئ ندورا: سقط من جوف شئ، أو من بین أشیاء، فظهر.^{۱۱۸}

او همچنین «نادر الزمان» را «وحید العصر» دانسته است. در همه این تفاسیر، نوعی جداگانگی و انفراد - که عامل جلب توجه و ظهور بوده - دیده می‌شود. به همین دلیل، نادر در استعمالات، به معنای کمیاب و با ارزش نیز به کار رفته است.

اما طریحی نوادر را در اصطلاحات حدیثی این گونه تعریف کرده است:

ما لیس له أخ أو یكون، لکنه قلیل جدا و یسلم من المعارض ولا کلام فی صحته، بخلاف الشاذ فإنه غیر صحیح أو له معارض.^{۱۱۹}

مراجعه به کتب فهارس نشان می‌دهد که «نوادر» یکی از انواع نگارش‌های حدیثی بوده و برخی از آثار با همین نام شهرت یافته‌اند. بسیاری از کتب نوشته شده در این سبک از نگارش‌های حدیثی، از جوامع به شمار آمده است؛ مانند کتاب «النوادر» اثر ابن ابی عمیر^{۱۲۰} و «النوادر» از احمد بن محمد بن عیسی.^{۱۲۱} از این رو، برخی در صدد تعریف چنین آثاری برآمده‌اند.

وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ق) نوادر را مجموعه‌ای از احادیث دانسته است که به دلیل کمی تعداد، قابلیت گردآوری در بابی مستقل نداشته‌اند. او نوادر الصلاة و نوادر الزکاة را - که در کتب رایج آمده - نمونه‌هایی از این باب می‌داند.^{۱۲۲}

اما سید محمد علی ابطحی بر این تعریف، علاوه بر باب مستقل، کتاب را نیز افزوده است. بنا بر این، انعقاد باب النوادر در کتب حدیثی شایع بوده است. او معتقد است گاه نوادر، جامع همه ابواب فقه و یا احادیث باب طهارت است و این حتی با محبوب بودن آن نیز منافات ندارد. او تبویب کتاب النوادر احمد بن محمد بن عیسی از سوی داود بن کوره^{۱۲۳} را به عنوان شاهد بر مدعایش مطرح کرده است. ابطحی همچنین «أصل» بودن برخی «نوادر» را

۱۱۸. القاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۴۰.

۱۱۹. مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۹۰.

۱۲۰. فهرست النجاشی، ص ۳۲۷، ش ۸۸۷.

۱۲۱. همان، ص ۸۲، ش ۱۹۸.

۱۲۲. «و اما النوادر فالظاهر أنه ما اجتمع فيه أحادیث لا تضبط فی باب لقلته بان یكون واحداً أو متعدداً لکن یكون قلیلاً جداً و من هذا قولهم فی الكتب المتداولة نوادر الصلاة نوادر الزکاة و أمثال ذلك و ربما یطلق النادر علی الشاذ» (تعلیقة علی منهج المقال، ص ۱۹؛ نیز رک: گفتار ملا احمد نراقی در عوائد الأيام، ص ۵۹۵).

۱۲۳. رک: فهرست النجاشی، ص ۸۲، ش ۱۹۸.

نیز می پذیرد؛ زیرا قمیان نوادر مروک بن عبید را «اصل»^{۱۲۴} دانسته‌اند.^{۱۲۵} به احتمال، منشأ همه یا بیشتر تعریف‌های مطرح شده در باره «نوادر» به قول شیخ مفید باز می‌گردد. وی در پاسخ به شیخ صدوق در بحث عدد روزهای ماه مبارک رمضان، احادیثی را که ثابت می‌کند این ماه کمتر از سی روز نخواهد بود، احادیث شاذ می‌نامد که در ابواب نوادر آمده است. او در باره نوادر می‌گوید:

والتوادر هي التي لا عمل عليها.^{۱۲۶}

گفتار شیخ مفید در توصیف نوادر، مستند بسیاری در مباحث رجال و درایه قرار گرفته است. مشاهده می‌شود که سخنان شیخ مفید در باره ابواب نوادر در آثار و جوامع حدیثی است، نه کتب نوادر به عنوان نوعی از انواع نگارش‌های حدیثی؛ اما ظاهراً این نکته مورد توجه قرار نگرفته و همین جمله مبنای تعریف کتب نوادر شده است. برخی از محققان، همچون فیض کاشانی^{۱۲۷} و علامه مجلسی،^{۱۲۸} ابواب نوادر را مشتمل بر احادیث متفرقی دانسته‌اند که مناسب ابواب سابق بوده، اما قابل درج در میان آنها نبوده است.

در تعریف الذریعة از نوادر، به احادیث غیر مشهور و احکام غیر متداول یا استثنایی اشاره شده است؛^{۱۲۹} اما نام‌گذاری برخی آثار به نوادر، مانند النوادیر ابن ابی عمیر و نوادر الحکمة و النوادر أحمد بن محمد بن عیسی - که خود از منابع حدیثی مهم به شمار رفته‌اند - با اشتغال بر احادیث غیر مشهور و مانند این‌ها قابل جمع نیست. همچنین برخی نمونه‌ها در کتاب نجاشی، مانند: «له کتاب نوادر صحیح الحدیث کثیر الفوائد»،^{۱۳۰} «ثقة كثير الرواية له كتاب مجموع نوادر»^{۱۳۱} و «له نوادر، و الرواة عنه كثيرون»^{۱۳۲} دیدگاه الذریعة را تأیید نمی‌کند؛

۱۲۴. رک: همان، ص ۴۲۵، ش ۱۱۴۲.

۱۲۵. تهذیب المقال، ج ۱، ص ۹۲-۹۳.

۱۲۶. جوابات أهل الموصول، ص ۱۹.

۱۲۷. «و عنونت الباب الأخير من تلك الجملة بال نوادر و هي الأحاديث المتفرقة التي لا يكاد يجمعها معنى واحد حتى تدخل معاً تحت عنوان» (الوافي، ج ۱، ص ۴۲).

۱۲۸. «باب النوادر أي أخبار متفرقة مناسبة للأبواب السابقة و لا يمكن إدخالها فيها، و لا عقد باب لها لأنها لا يجمعها باب، و لا يمكن عقد باب لكل منها» (مرآة العقول، ج ۱، ص ۱۵۴).

۱۲۹. «النوادر عنوان عام لنوع من مؤلفات الأصحاب في القرون الأربعة الأولى للهجرة، كان يجمع فيها الأحاديث غير المشهورة، أو التي تشمل على أحكام غير متداولة. أو استثنائية و مستدركة لغيرها» (الذریعة، ج ۲۴، ص ۳۱۵).

۱۳۰. فهرست النجاشی، ص ۴۰، ش ۸۱.

۱۳۱. همان، ش ۸۳.

زیرا صحیح الحدیث بودن، فایده بسیار داشتن، با احادیث غیر مشهور، احکام غیر رایج و استثنایی و مستدرک بودن، سازگار نیست.

آیه الله سبحانی معتقد است، عدم اختصاص به موضوعی معین یا فقدان شهرت احادیث موجود در کتاب، علت نام گذاری برخی آثار به نوادر بوده است. وی پراکندگی موضوعی احادیث یک کتاب را به شکلی که قابل تبویب نباشد نیز از مصادیق نوادر دانسته است.^{۱۳۳}

از مجموعه آنچه گذشت، فهمیده می شود که ضروری است بین نوادر به عنوان نوعی از انواع منابع و ابواب نوادر تمییز قایل شد. همچنین می توان به این برداشت رسید که منظور از کتب نوادر، کتبی مشتمل بر احادیث پراکنده و غیر مقید به موضوعی خاص بوده است. احتمالاً گزارش نجاشی در باره عبد الله بن محمد النهیکی - که گفته است: «ثقة، قلیل الحدیث، جمعت نوادره کتاباً»^{۱۳۴} - ناظر به همین پراکندگی باشد. همچنین تبویب *النوادر* أحمد بن محمد بن عیسی از سوی داود بن کوره نیز حاکی از فقدان ساختار مندی این نوع از آثار بوده است. البته باید توجه داشت که نامیده شدن برخی منابع و جوامع اصلی حدیثی، مانند *النوادر* ابن ابی عمیر و مانند آن به نوادر، با معنای لغوی نوادر، یعنی کمیاب و با ارزش بودن سازگاری و تناسب بیشتری دارد.

بنا بر این، از تبیین مفهوم «نوادر»، به روشنی می توان استنباط نمود که هماهنگی آن با مفهوم «روایات» بی تناسب نیست. همچنین جایگزینی یکی از این دو مفهوم با دیگری از سوی حمید بن زیاد یا دیگران دور از ذهن نبوده است.

نتیجه

از مقایسه توصیف کسانی که شیخ طوسی در کتاب *الفهرست* آنها را با عبارت «له روایات» معرفی نموده با توصیف همین افراد در *فهرست النجاشی* با «له نوادر»، همسان بودن مفهوم این دو عبارت برداشت می شود.

۱۳۲. همان، ص ۶۱، ش ۱۴۰.

۱۳۳. «أن النوادر اسم للكتب المدونة التي ليس لمطالبها موضوع معين أو ليست لرواياتها شهرة متحققة، سواء كانت الأحاديث الواردة فيها عن إمام واحد أو أكثر، أو كان موضوع الكتاب واحداً مع تفرق مضامين رواياته بحيث لا يمكن تبويبها» (کلیات فی علم الرجال، ص ۴۷۸).

۱۳۴. *فهرست النجاشی*، ص ۲۲۹، ش ۶۰۵.

با توجه به اتحاد منابع در نمونه‌هایی که این دو تعبیر به جای یکدیگر نهاده شده و در واکاوی علت آن، اختلاف طرق گزارش از حمید بن زیاد، اصلی‌ترین منبع این نمونه‌ها، کشف گردید. همچنین اختلاف در طریق، از اختلاف در نسخه به کار رفته حکایت نمود. این نشان می‌دهد که تغییر در عبارت، به شخص حمید بن زیاد یا گزارش‌گران از وی باز می‌گردد.

طبعاً نکته اساسی در علت جا به جایی دو تعبیر در طرق مختلف، نشان دهنده اتحاد برداشت از سوی شخص حمید بن زیاد یا راویان از وی است.

در توجیه همسان‌پنداری «روایات» و «نوادر» نیز می‌توان به مفهوم نوادر و اشتغال آن بر روایات پراکنده اشاره نمود. همچنین در به کارگیری متوالی و پی در پی تعبیر «روایات» و «نوادر» در گزارش آثار افراد، احتمال نام‌گذاری برخی آثار به نوادر و فقدان نام‌گذاری به این نام، مطرح است. در این صورت نیز با نبود عنوان، مصداق نوادر بر این آثار صدق می‌کند.

کتابنامه

- تهذیب المقال فی تنقیح کتاب رجال النجاشی، السید محمد علی الأبطحی، قم: ابن المؤلف السید محمد، الثانية، ۱۴۱۷ق.
- تعلیقة علی منهج المقال، الوحید البهبهانی، چاپ سنگی، سید صالح ابوالقاسم حسینی خوانساری، بی تا.
- جوابات أهل الموصل، الشیخ المفید، تحقیق: الشیخ مهدی نجف، بیروت: دار المفید، الثانية، ۱۴۱۴ق / ۱۹۹۳م.
- الذریعة الی تصانیف الشیعة، الشیخ آقا بزرگ الطهرانی، بیروت: دار الأضواء، الثالثة، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
- الرجال، الشیخ الطوسی، تحقیق: جواد القیومی الإصفهانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، الأولى، ۱۴۱۵ق.
- الصحاح، الجوهری، تحقیق: أحمد عبدالغفور العطار، بیروت: دار العلم للملایین، الرابعة، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م.
- عوائد الأيام، المحقق النراقی، تحقیق: مرکز الأبحاث والدراسات الإسلامیة، الأولى، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۱۷ق / ۱۳۷۵م.
- فهرست النجاشی، النجاشی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، الخامسة، ۱۴۱۶ق.

- فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، الشیخ الطوسی، تحقیق: السید عبدالعزیز الطباطبائی، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ق / ۱۳۷۸ش.
- الفهرست، الشیخ الطوسی، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، قم: مؤسسه نشر الفقاهه، الأولى، ۱۴۱۷ق.
- الفوائد الحائریه، الوحید البهبهانی، قم: مجمع الفکر الإسلامی، الأولى، ۱۴۱۵ق.
- القاموس المحيط، محمد بن یعقوب الفیروزآبادی، بیروت: دار الإحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
- کلیات فی علم الرجال، الشیخ السبحانی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، الثالثه، ۱۴۱۴ق.
- لسان العرب، ابن منظور، قم: نشر أدب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
- مجمع البحرین، الشیخ فخرالدین الطریحی، تحقیق: السید أحمد الحسینی، تهران: مرتضوی، الثانيه، ۱۳۶۲ش.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر مجلسی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، الثانيه، ۱۴۰۴ق / ۱۳۶۳ش.
- المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، أحمد بن محمد المقرئ الفیومی، بیروت: دار الفکر.
- النهايه فی غریب الحدیث و الأثر، ابن الأثیر، تحقیق: طاهر أحمد الزاوی، محمود محمد الطنحی، قم: مؤسسه إسماعیلیان، الرابعه، ۱۳۶۴ش.
- الوافی، المولی محسن الفیض الکاشانی، اصفهان: مکتبه الإمام أمير المؤمنين علی عليه السلام، ۱۴۱۲ق / ۱۳۷۰ش.